

چگونه یک تقلب ۵۳ میلیون دلاری ۲۲ سال کشف نشده باقی ماند

یادگیری از اشتباه‌های گذشته

نویسنده: دیوید آر هنکاکس

مترجم: شاهین احمدی



دسامبر ۱۹۹۰، ریتا کروندول که ذیحساب کل شهرداری دیکسون در ایلینوی بود، یک حساب بانکی گشود. این آغاز یک ترفند تقلب ۲۲ ساله بود که سرانجام در فوریه ۲۰۱۳ با زندانی شدن کروندول به دلیل سرقت ۵۳ میلیون دلار از شهر پایان یافت. سرقت وی پس از این که ۱۸۱ هزار دلار در ۱۹۹۱ دزدید، در ۲۰۱۰ به مبلغ ۵۱۸،۵۶۴۰ دلار رسید. دیکسون (شهری ۱۶ هزار نفری است که چون زادگاه رئیس‌جمهور رونالد ریگان است شهرت بسیاری دارد) میلیون‌ها دلار را به این دلیل از دست داد که شهردار، شورای شهر، بانکدارها و حساب‌برسان، همگی در کشف تقلب ناکام ماندند. سال‌ها در پس هم، که ترفند کروندول ادامه داشت، حساب‌برسان نسبت به صورت‌های مالی دیکسون اظهار نظر مقبول ابراز می‌کردند و تقلب کشف‌نشده باقی می‌ماند. انتظار می‌رود این مورد کاوی به حساب‌برسان گوشزد کند که هشیار باشند و نشان می‌دهد چه نوع تقلب‌هایی می‌توانند در یک بنگاه در خفا رخ دهند.

ترفند تقلب

۱۸ دسامبر ۱۹۹۰، کروندول حسابی با عنوان حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری در "فرست بانک ساوث" به نام شهر دیکسون گشود. بانک حساب را بدون موافقت یا مجوز شورای شهر یا دیگر مسئولان شهر گشود. "فرست بانک ساوث" توسط مجموعه‌ای از چند بانک تصاحب شد و حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری سرانجام به بانک "فیفت ثرد بانک" واگذار شد. بانک‌های جان‌ششین هرگز تلاش نکردند تا مستندات برای تایید تداوم این حساب به‌دست آورند. ژوئن ۲۰۱۱، "فیفت ثرد بانک" از کروندول خواست که امضای الکترونیکی ارائه کند. با این که مفاد و شرایط سامانه‌ی امضای الکترونیک در آمریکا وجود یک مجوز برای هر حساب را الزامی می‌داند، ولی

وی اقدام به صدور چک‌های شخصی خود از آن می‌کرد و برای مقاصد شخصی از آن حساب برداشت می‌کرد.

دو معامله در این بین تقریباً فراتر از باور هستند. کروندول یک بار در ۲۰۰۰ به "اولد کنت بانک"، یکی از بانک‌های مادر "فیفت ثرد بانک" رفت و ۵۰۰،۰۰۰ دلار نقداً از حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری در قالب دو تراکنش برداشت کرد. ۲۷ می، کروندول یک درخواست برداشت نقدی را پر کرد و ۲۹۰،۳۲ دلار دیگر از این حساب برداشت کرد. در جولای ۲۰۰۰ نیز کارمندان بانک ۱۹۰،۰۸۰ دلار دیگر به وی پرداختند. بدون این که حتی چیزی از وی ببرند.

برای این حساب دولتی هیچ مجوزی از شهر دیکسون وجود نداشت.

کروندول شروع به صدور چک‌هایی از حساب توسعه‌ی سرمایه‌های صندوق شهر (یک حساب معتبر) کرد و آنها را در حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری سپرده‌گذاری کرد. چک‌ها در وجه خزانه‌دار صادر می‌شدند. کروندول صورت‌حساب‌های جعلی از طرف ایالت ایلینوی صادر کرد تا به حساب‌برسان شهر دیکسون نشان دهد و جوهی که در حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری سپرده‌گذاری شده‌اند، برای مقاصد حقانی استفاده شده‌اند. وقتی جوه وارد حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری می‌شد،

حسابرسان شهرداری دیکسون

سه موسسه‌ی حسابرسی با شهرداری دیکسون کار می‌کردند. موسسه‌ی الف، یک موسسه‌ی حسابرسی بزرگ بود، موسسه‌ی ب یک شاغل انفرادی بود که به تدریج توسط پسر شریک اصلی موسسه‌ی ب (موسسه‌ی پ) تصاحب شد، و موسسه‌ی پ که یک شاغل انفرادی بود. موسسه‌ی الف حسابرسی شهرداری دیکسون را بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ بر عهده داشت. در ۲۰۰۵، موسسه‌ی الف از موسسه‌ی ب (و در نتیجه موسسه‌ی پ) درخواست می‌کند تا حسابرسی شهرداری انجام دهد، و موسسه‌ی الف همزمان امور تلفیق را انجام دهد. موسسه‌ی الف به این دلیل این درخواست را مطرح کرد که باور داشت مسئله‌ی استقلال در میان است. موسسه‌ی الف پذیرفت که از ژانویه ۱۹۹۰ تا آوریل ۲۰۰۵، صورت‌های مالی شهرداری را تنظیم کرده است، چک‌های شهرداری را برای پرداخت صادر کرده است، و صورت‌های مالی را حسابرسی کرده است.

در دعاوی قانونی مطرح‌شده بابت برگرداندن وجوه به سرقرت‌رفته‌ی شهرداری دیکسون یک دعوی به این شرح اقامه شد که موسسه‌ی الف کار حسابرسی را انجام داده است و مؤسسات ب و بعدها پ صرفاً اقدام به امضای گزارش می‌کردند. در دادگاه این پرسش از مالک موسسه‌ی پ مطرح شد که "آیا موسسه‌ی الف سراغ شما آمد و به شما گفت که ما مسئله‌ی استقلال داریم. از شما می‌خواهیم بیایید و گزارش حسابرسی را امضا کنید. ما تمام حسابرسی را انجام خواهیم داد. آیا این درست است؟" مالک موسسه‌ی پ تأیید کرد که این چنین بوده است. وی هم‌چنین در دادگاه اعتراف کرد منابع و تخصص کافی برای کار حسابرسی با این ابعاد را نداشته است.

موسسه‌ی الف این ادعا را انکار کرد و ادعا کرد تنها کار تلفیق را انجام داده است؛ هم‌چنین، ادعا کرد استفاده از موسسه‌ی ب به عنوان حسابرس باعث کاهش مسئولیت این موسسه برای کشف تقلب یا کژنمایی می‌شود. اگرچه ممکن است این ادعا درست باشد، بیانیته‌های استانداردهای حسابداری و خدمات بررسی شماره ۱ سال ۲۰۰۵، تغییرات مشخصی درباره‌ی در نظر گرفتن تقلب و اقدامات غیرقانونی در قراردادهای تلفیق و بررسی را اعمال کرده است: حسابرسان ملزم نیستند ریسک تقلب را ارزیابی کنند، ولی باید صاحب‌کار را درباره‌ی اطلاعات نادرست، ناکامل، یا به نحو دیگر نامناسب کشف‌شده حین کار حسابرسی آگاه کنند. حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی اظهار نظر مقبول ابراز کردند:

"ما هیچ موضوعی مربوط به کنترل‌های داخلی حاکم بر

گزارشگری مالی و اجرای آن مشاهده نکردیم که به نظر ما ضعف بااهمیت تلقی شود... به نظر ما، صورت‌های مالی به توجه به شرایط بالا، از همه‌ی جنبه‌های بااهمیت، وضعیت مالی فعالیت‌های دولتی را به شکل منصفانه‌ای ارائه می‌کنند... هیچ موردی از عدم رعایت‌های بااهمیت در صورت‌های مالی شهر دیکسون ایالت ایلینوی دیده نشد که مستلزم گزارشگری طبق استانداردهای حسابرسی دولتی باشد." حسابرسان این ادعاها را به‌رغم وجود حقایق زیر اظهار کردند:

■ تاییدیه‌ی بانکی در ۲۰۱۰ حساب بدون مجوز را نشان می‌داد.

■ فاکتورهای ساختگی به عنوان پرچم‌های قرمز وقوع تقلب

مدارک متقابلانه

فاکتورها، تقلب کروندول ساده بود. یک فاکتور جعلی تهیه کن؛ چک را صادر کن؛ آن را به حساب تحت کنترل خود سپرده‌گذاری کن؛ و پول را برداشت کن. او این کار را با استفاده از فاکتورهای جعلی که ادعا می‌کرد توسط اداره‌ی حمل و نقل ایالت ایلینوی صادر شده است انجام می‌داد. ولی این فاکتورها از چند منظر با فاکتورهای اصلی تفاوت داشتند:

■ هیچ کدام از این فاکتورها نشان اداره‌ی حمل و نقل ایلینوی را در سربرگ خود نداشتند.

■ فاکتورهای تقلبی در املاهی واژه‌ی "بخش" خطا داشتند (به جای "section" از واژه‌ی "secton" استفاده شده بود).

فاکتورها. تقلب کروندول ساده بود. یک فاکتور

جعلی تهیه کن؛ چک را صادر کن؛ آن را به حساب

تحت کنترل خود سپرده‌گذاری کن؛ و پول را

برداشت کن.

وجود داشتند که انتظار می‌رفت حسابرسان معاملات مربوط به آنها را بیشتر بررسی کنند.

■ طبق الزامات تدارکات شهرداری دیکسون باید درخواست خرید و تاییدیه‌ی کارمند مجاز شهرداری پیوست فاکتور می‌بود، ولی هیچ‌کدام از فاکتورهای تقلبی به پشتوانه‌ی درخواست خرید و تاییدیه‌ی کارمند مجاز شهرداری صادر نشده بود.

■ دارایی‌های سرمایه‌ی خریداری‌شده تایید نشده بودند تا وجود آنها محرز شود. این دارایی‌ها اصلاً وجود خارجی نداشتند.

شهرداری دیکسون در شکایت خود که بانک‌ها و حسابرسان را به دلیل کشف نکردن اختلاس در زمان مناسب متهم کرده بود، مدعی شده بود شریک موسسه‌ی الف که در ۱ آوریل ۲۰۱۰ قرارداد کار حسابرسی را برای شهرداری فرستاد آن قرارداد حاوی این ادعا بود که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شهر در ۲۰۱۰ بیش از ۳۳،۵۰۰ دلار، در ۲۰۱۱ بیش از ۳۴،۷۵۰ دلار، و در ۲۰۱۲ بیش از ۳۷،۰۰۰ دلار نخواهد شد. صورت‌حساب ارسالی توسط موسسه‌ی ب و بعدها موسسه‌ی پ بابت کار حسابرسی در ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بالغ بر ۷،۰۰۰ دلار بود.

آیا حسابرس باید متوجه می‌شد که تقلبی در حال وقوع است؟ در واقع، استانداردهای حسابرسی به حسابرسان فضای کافی داده‌اند. بیانیته‌ی استانداردهای حسابرسی شماره ۹۹، "در نظر گرفتن تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی"، دربردارنده‌ی نکات مهم پرشماری است:

بند ۶... گزارشگری مالی متقالبانه می‌تواند به روش‌های زیر انجام شود: دستکاری، جعل، یا تغییر سوابق حسابداری یا مدارک پشتوانه‌ی صورت‌های مالی ...

بند ۹... حسابرسی اجرا شده طبق استانداردهای پذیرفته‌ی حسابرسی به ندرت شامل تصدیق مستندات این چنینی است، و حساب‌رسان آموزش ندیده‌اند یا از آنان انتظار نمی‌رود در تصدیق مستندات تخصصی داشته باشند ...

بند ۱۱... گرچه معمولاً تقلب پنهان می‌شود و تعیین انگیزه‌ی مدیران دشوار است، ولی وجود شرایط خاص ممکن است امکان وقوع تقلب را به حساب‌رسان علامت‌دهی کند.

به‌رغم وجود تراکنش‌های فاقد مجوز شهردار یا مسئول شهر دیکسون، حساب‌رسان تقلب را کشف نکردند. اظهارات ارائه شده توسط تیم حسابرسی نشان داد حساب‌رسان هیچ گونه بازرسی روی پروژه‌های سرمایه‌ی متقالبانه که کروندول فاکتورهای مربوط به آنها را صادر کرده بود انجام نداده بودند.

افزون بر این، آنان با مهندسان شهرداری، کارمند شهرداری مسئول پروژه‌های سرمایه‌ی، یا هیچ فرد دیگری در اداره‌ی حمل و نقل ایلینوی برای این پروژه‌های سرمایه‌ی که کروندول بابت آنها فاکتورهای متقالبانه ارسال می‌کرد، صحبت نکرده بودند. تیم حسابرسی مجوز شورای شهر را برای هیچ یک از این پروژه‌های سرمایه‌ی متقالبانه در جلسات شورای شهر درخواست نکرده بودند. سرانجام، آنان قرارداد، استعلام، نمودار، طرح، یا دیگر مستندات مربوط به قراردادها را نیز برای هیچ یک از پروژه‌های سرمایه‌ی درخواست نکرده بودند.

چک‌ها، در دادگاه از مدیر حسابرسی موسسه‌ی الف که مسئول اجرای کار حسابرسی شهرداری دیکسون بود پرسیده شد آیا بررسی چک‌های پرداخت‌شده می‌تواند در تشخیص وقوع تحریف یا تقلب به حساب‌رسان کمک کند؟ وی پاسخ داد نه. ولی دانستن چگونگی خواندن چک مهارتی اساسی برای حساب‌رسان است و می‌تواند روشی برای تعیین این باشد که آیا تقلب رخ داده است یا نه. برای مثال، سال‌ها پیش، نویسنده‌ی این مقاله چک‌های حساب بیماران مرکز روان‌درمانی یوتیکا در نیویورک را بررسی کرد و متوجه وجود چک‌های درشتی شد که پس از درگذشت بیماران در وجه بستگان آنان صادر شده بود. بررسی پشتوانه‌ی این چک‌ها نشان داد بسیاری از آن چک‌ها در یک بانک محلی و توسط یک فرد نقد شده‌اند و امضای پشت‌نویسی چک‌ها نیز مشابه بوده است. این پیگیری سرانجام به کشف کارمندی در دفتر اصلی منتهی شد که از حساب‌های بیماران سرقت می‌کرد.

چک‌هایی را که مدیر حسابرسی موسسه‌ی الف در حسابرسی شهرداری دیکسون به آنها دسترسی داشت را در

نظر بگیرید. یک چک ۲۵۰,۰۰۰ دلاری در وجه خزانه‌دار صادر شده بود، ولی مشخص نبود کدام خزانه‌دار؟ حتی فاکتور پشتوانه‌ی این چک نیز اشاره می‌کرد که باید در وجه خزانه‌دار ایالت ایلینوی در اسپرینگ فیلد ایالت ایلینوی صادر شود. افزون بر این، پشت چک‌ها نیز واقعیت دیگری را افشا می‌کرد: پشت‌نویسی نشان می‌داد این چک‌ها در "فیفت ثرد بانک" در شهر دیکسون ایالت ایلینوی به حساب واگذار شده‌اند. شماره حسابی که در دسترس مدیر حسابرسی نیز بود، حسابی جعلی بود که کروندول افتتاح کرده بود. این چک‌ها به پشتوانه‌ی فاکتورهای جعلی از طرف ایالت ایلینوی صادر شده بودند تا در ازای مخارج سرمایه‌ی انجام‌شده توسط ایالت که مسئولیت مشترک ایالت و شهر بودند، بازپرداخت شود.

از این رو، سرنرخ‌هایی به شرح زیر وجود داشت که نشان می‌داد این چک‌ها متقالبانه بودند:

■ دریافت‌کننده‌ی مبهم.

■ پشت‌نویسی که با دریافت‌کننده همخوانی نداشت.

■ پشت‌نویسی که نشان می‌داد وجوه به جای واریز به خزانه‌داری ایالت ایلینوی در اسپرینگ فیلد ایلینوی، به حسابی در شهر دیکسون ایالت ایلینوی واریز شدند.

■ مبلغ دلاری گرد شده، مشابه با بسیاری از چک‌های متقالبانه.

بررسی چک‌ها که عملی ضروری تلقی می‌شود به سادگی می‌توانست این تقلب را کشف کند.

نماگرهای تقلب

این اختلاس در چند مقطع زمانی زیر قابل کشف بود: ■ اگر شهردار یا شورای شهر کسری‌های بودجه را بررسی می‌کردند و درباره‌ی توضیحات کروندول کنکاش می‌کردند، می‌توانستند این تقلب را متوقف کنند. طی دوره‌ی تقلب، شهر از نظر مالی در تنگنا قرار داشت.

■ در دسامبر ۱۹۹۰ بانک در صورت جلوگیری از گشایش حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری به دلیل عدم وجود مجوز لازم از شهرداری دیکسون می‌توانست مانع تقلب شود.

■ در می ۲۰۰۰ بانک هنگامی که کروندول ۲۹,۰۳۲ دلار نقدی از حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری برداشت کرد؛ یا در جولای همان سال وقتی کارمندان بانک ۱۹,۰۸۰ دلار نقدی از همان حساب به وی پرداخت کردند، دوباره می‌توانست مانع از تقلب شود.

■ اگر حساب‌رسان یکی از فاکتورهای جعلی را شناسایی می‌کردند؛ و کشف می‌کردند پشت‌نویسی آنها با

دریافت‌کننده‌ی چک‌های جعلی یکی نیست، یا می‌فهمیدند که هیچ‌یک از پروژه‌های سرمایه‌ی در واقع وجود نداشتند، می‌توانستند مانع از تقلب شوند.

■ شکست‌های کنترل داخلی.

چارچوب کارگروه سازمان‌های پشتیبان مالی کمیسیون تردوی (کوزو)، کنترل داخلی - چارچوبی یکپارچه، پنج جز را تعیین کرده‌اند که توسط ۱۷ اصل پشتیبانی می‌شوند و به تضمین کنترل داخلی اثربخش کمک می‌کنند. این اجزاء شامل محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات، و پایشگری می‌شوند.

متاسفانه حساب‌رسان و مدیران به دلیل باورهای نادرست مبنی بر این که فعالیت‌های کنترلی نشان‌دهنده‌ی حیاتی‌ترین اجزای موفقیت سازمان هستند، اغلب تاکید زیادی بر اجزای کنترلی اشتباه دارند. این می‌تواند باعث شود مدیریت با کنترل‌های پیش‌گیرانه‌ی سخت‌گیرانه به فعالیت‌های روزمره‌ی سازمان واکنش نشان دهد که در نهایت تلاش‌ها برای اصلاح مسائل اساسی سازمان را با دشواری روبرو می‌کند. در مورد شهرداری دیکسون، اجزایی همچون محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، و پایشگری، اجزای کلیدی کنترل داخلی بودند که ناتوان بودند و شکست خوردند.

موضوعات مربوط به فعالیت‌های کنترلی ساده‌تر از موضوعات محیط کنترلی قابل ارزیابی هستند. مطالعه‌ی رویه‌ها و سیاست‌های جاری و مشاهده‌ی موقعیت‌هایی که باید تفکیک وظایف انجام شود ساده است. هم‌چنین، برای حساب‌رسان ساده است از راه پرس‌وجو مستندات را بررسی کنند و تعیین کنند که آیا سیاست‌ها و رویه‌هایی از این دست اجرا می‌شوند یا نه: آیا مجوزها در زمان نیاز دریافت شده‌اند؟ آیا در صورت نیاز استعلام انجام شده است؟ ولی به هر حال ارزش‌یابی فلسفه و مثنی عملیاتی مدیریت بسیار دشوارتر از این موارد است. هم‌چنین، بررسی و ارزیابی ارزش‌های اخلاقی و صلاحیت کارکنان نیز دشوار است.

شفافیت در این حوزه بسیار اهمیت دارد. چون فعالیت‌های کنترلی و سیاست‌ها و رویه‌های مربوط اجزای کلیدی سامانه‌ی کنترلی سالم هستند. متاسفانه، تمرکز بر فعالیت‌های کنترلی اغلب به دلایل اشتباهی انجام می‌شود. حساب‌رسان به شکل مکرر درخواست می‌کنند که مدیریت وظایف را با این استدلال تفکیک کند که این کار برای کنترل و متعادل‌سازی کار کارمندان ضرورت دارد. ولی این کار پیامی را ارسال می‌کند مبنی بر این که نباید به کارمندان اعتماد کرد. وقتی یک سازمان وظایف را تفکیک می‌کند، آیا نباید هدف از آن کمک به تضمین کارایی فرایندها و کمک

به کارمندان برای نظارت بر کار خود به عنوان تیم، و اصلاح اشتباه‌ها پیش از تکمیل تراکنش‌ها باشد؟ این کار به چند هدف از قبیل افزایش کارایی عملیات، نظارت بر عملیات، کمک به پیشگیری از فعالیت‌های نامناسب، و ایجاد محیط کنترلی مناسب منجر می‌شود. اگر سامانه‌ی اطلاع‌رسانی خوبی برقرار باشد، به کارکنان اجازه می‌دهد تا تراکنش‌های نامعمول و مشکوک را برای اقدام مقتضی به مدیریت گزارش کنند.

شهردار و شورای شهر. شهردار و شورای شهر دیکسون ایالت ایلینوی ریسک‌ها را به شکل اثربخشی ارزیابی نکردند و سامانه‌ی کنترلی ایجاد نکردند که بتواند به شکل اثربخشی قدرت و تاثیر اعمال کروندول را خنثی کند. افزون بر این، آنان در نظارت اثربخش صورت‌های مالی و بودجه یا طرح پرسش‌هایی که می‌توانست تقلب را کشف کند، ناتوان ماندند. آنان به‌سادگی با به‌کارگیری کارکنان با صلاحیت برای دریافت مشاوره می‌توانستند بر چالش ایجادشده توسط کروندول غلبه کنند.

بانک‌ها. بانک‌ها تراکنش‌های بانکی را به شکل مناسبی مدیریت نکردند. حساب ذخیره‌ی توسعه‌ی فاضلاب شهری هرگز نباید ایجاد می‌شد. چون هیچ مجوزی برای افتتاح این حساب وجود نداشت. کارمندان بانک هرگز نمی‌بایست ۵۰,۰۰۰ دلار نقدی بر مبنای رسید برداشت دستی بانکی از وجوه توسعه‌ی سرمایه‌ای تاییدشده‌ی شهرداری به کروندول پرداخت می‌کردند.

کسری‌های دیگری نیز وجود داشتند که وکلا در دعوی حقوقی شهر علیه بانک‌ها مشاهده کردند، که پذیرفتن چک‌های بزرگ با دریافت‌کننده‌های شخصی برای مخارج شخصی از یک حساب شهرداری از این دست بود. همه‌ی اینها مسائل محیط کنترلی هستند که اجازه دادند تقلب ادامه یابد.

حسابرسان. وکیل، در جلسات دادگاه از یکی از شریکان موسسه‌ی الف درباره‌ی تردید حرفه‌ای پرسش‌هایی پرسید. پرسش و پاسخ آنان به شرح زیر است:

پرسش: آیا شما مفهوم تردید حرفه‌ای را درک می‌کنید؟
پاسخ: نه

پرسش: آیا تا کنون این مفهوم به گوش تان خورده است؟
پاسخ: بله

پرسش: آیا این مفهوم را در بافتار عمل حسابرسی شنیده‌اید؟

پاسخ: نمی‌توانم چنین چیزی را به یاد بیاورم.
پرسش و پاسخ: زیر نین چنین دادخواهی بین وکیل و مدیر

حسابرسی موسسه رد و بدل شد.

پرسش: اگر می‌پذیرید که همه‌ی آن چه موسسه‌ی الف برای تایید این پرداخت‌های میلیون دلاری باید انجام دهد این است که به ظاهر این چک‌ها توجه کند، باور دارید که از استانداردهای مراقبت حرفه‌ای تخطی شده است؟
پاسخ: نه.

پرسش: چرا این نظر را دارید؟

پاسخ: چون فکر می‌کنم فاکتورها سند و شاهد مناسبی برای یک هزینه‌کرد هستند.

پرسش: اگر به گذشته برگردید، آیا باور دارید که حسابرسان باید تلاش بیشتری برای تایید و تضمین درستی فاکتورهای جعلی مبذول می‌کردند؟
پاسخ: نه.

پرسش: اگر به گذشته برگردید کنید، آیا باور دارید موسسه‌ی حسابرسی الف باید با اداری حمل و نقل ایلینوی تماس می‌گرفت؛ یا به سراغ مهندس شهرداری می‌رفت تا از درستی این پروژه‌های سرمایه‌ای اطمینان حاصل کند؟
پاسخ: نه.

بر مبنای این دادخواهی مدیر حسابرسی بر این باور بود که فاکتور شامد کافی برای یک هزینه‌کرد است. در هیچ زمانی هیچ فردی به دنبال بررسی پروژه‌های سرمایه‌ای نرفت تا اطمینان حاصل کند شهرداری دیکسون آن چه را بابت‌اش پرداخت می‌کند دریافت کرده است یا نه؟ همین اقدام به‌سادگی می‌توانست مانع تقلب شود.

در فوریه‌ی ۲۰۱۳ هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام بیانیه‌ی ۲۰۱۳-۰۰۱ را با عنوان "گزارش بازرسی‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ موسسات حسابرسی که ۱۰۰ شرکت دولتی یا کمتر را بررسی کرده‌اند" منتشر کرد. اگرچه استانداردهای هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام برای شرکت‌های سهامی کاربرد دارد، با این حال شماری از حوزه‌های نقایص کنترلی که این بیانیه شناسایی کرده است با تقلب شهرداری دیکسون نیز هم‌خوانی دارند که پاره‌ای از آنها در ادامه می‌آیند:

- نداشتن صلاحیت فنی در حوزه‌ی خاص حسابرسی.
- نداشتن مراقبت حرفه‌ای شامل تردید حرفه‌ای.
- آزمون ناکافی کامل بودن و دقت مستندات مبنا.
- نظارت ناکارا و نااثربخش.
- بررسی‌های کیفی ناکافی کار حسابرسی.

این بیانیه یادآور می‌شود، طبق استانداردهای هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام ریسک تحریف بااهمیت معلول تقلب بخش جدانشدنی از حسابرسی است؛

و آن موسسات حسابرسی در موارد زیر ناتوان بوده‌اند: (۱) آزمون کافی ثبت‌های روزنامه و دیگر تعدیلات بابت شواهدی از تحریف بااهمیت احتمالی به دلیل تقلب؛ (۲) در نظر گرفتن ریسک تحریف بااهمیت به دلیل تقلب مربوط به شناخت درآمد؛ (۳) استعلام نظرات کمیته‌ی حسابرسی، مدیران و دیگران درباره‌ی ریسک تقلب؛ (۴) اجرای جلسات توفان مغزی با حضور اعضای تیم حسابرسی برای بررسی ریسک‌های تقلب؛ (۵) به‌دست آوردن شناخت از کنترل‌های شرکت صادرکننده‌ی چک بر ثبت‌های دفتر روزنامه و دیگر تعدیلات؛ و (۶) ارزیابی ریسک تخطی مدیریت از کنترل‌های داخلی.

این بیانیه نتیجه‌گیری می‌کند، حسابرسان باید تردید حرفه‌ای را اعمال کنند و کار حسابرسی را با ذهنیتی انجام دهند که امکان وجود تحریف بااهمیت به دلیل تقلب را در نظر گیرد.

پایان دادگاه

شهرداری دیکسون ایالت ایلینوی در سپتامبر ۲۰۱۳ اعلام کرد ۴۰ میلیون دلار غرامت از موسسه‌ی حسابرسی الف (۳۵/۱۵ میلیون دلار)، "فیفت ثرد بانک" (۳/۸۵ میلیون دلار) و موسسه‌ی پ (۱ میلیون دلار) بابت تقلب کروندول دریافت کرده است. اجرای احکام آمریکا نیز حدود ۱۰ میلیون دلار از مبالغ سرقت‌شده را از محل فروش اموال کروندول بازیابی کرد و کروندول هم به ۱۹ سال زندان محکوم شد.

نقش حیاتی

متاسفانه به دلایلی پرشمار، حسابرسان هرگز تقلب طولانی‌مدت در شهر دیکسون را کشف نکردند. از سوابق عمومی مشخص است فرصت‌های بسیاری برای کشف تقلب وجود داشته است. به همین دلیل است که حسابرسان نقشی حیاتی در فرایندهای حسابرسی بخش عمومی ایفا می‌کنند. به نظر نگارنده، حسابرسان باید درس‌هایی از گذشته یاد بگیرند، سطح تردید حرفه‌ای خود را تقویت کنند، و مراقبت حرفه‌ای را در کار روزانه‌ی خود به کار ببندند.

منبع:

David R. Hancox, How a \$3 Million Fraud Went Undetected for 22 Years: Learning from Past Mistakes, The CPA Journal, May 2014.

شاهین احمدی: دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی